

بی‌اطلاعی تولیدکنندگان بخش خصوصی از نامه بانک مرکزی

■ ایسنا: در حالی که طی چند روز گذشته صحبت از نامه‌ای که بانک مرکزی به تولیدکنندگان نوشته و در آن خواسته که خود را برای فاز دوم هدفمندسازی یارانه‌ها آماده کنند، زیاد است، اما هیچ‌کس از متن این نامه مطلع نیست. قاعدتا این نامه باید به تولیدکنندگان عمده و به‌خصوص اعضای اتاق‌های بازرگانی و تهران نوشته می‌شد، اما تماس‌های متعدد با افراد مختلف عضو این اتاق‌ها نشان داد که چنین نامه‌ای به دست هیچ‌کدام از آنها نرسیده است. «حسن بهرامی» عضو اتاق ایران، با بیان اینکه متن این نامه را ندیده است، گفت: من هم از رسانه‌ها مطلع شدم که ظاهرا چنین نامه‌ای نوشته شده، اما متن آن را ندیدم. او افزود: براساس شنیده‌ها این نامه به تولیدکنندگان آگاهی داده که برای اجرای فاز دوم هدفمندسازی یارانه‌ها آماده باشند، اما اینکه جزئیات این نامه چیست، من از آن اطلاعی ندارم. جمشید عدالتیان دیگر عضو اتاق ایران، نیز با اظهار بی‌اطلاعی از متن این نامه گفت: من هم از طریق رسانه‌ها نسبت به این نامه مطلع شدم، ولی مشخص نیست که این نامه به چه کسانی نوشته شده است. وی ادامه داد: قاعدتا اگر چنین نامه‌ای نوشته شده بود، باید ما آن را دریافت می‌کردیم، چون به هر حال اعضای اتاق‌های ایران و تهران بزرگ‌ترین تولیدکنندگان کشور هستند همچنین عبدالرحمان سلیمانی نایب‌رییس اتاق ایران، با بیان اظهاراتی مشابه، از مشاهده چنین نامه‌ای اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: ممکن است چنین نامه‌ای به روسای اتاق‌ها نوشته شده باشد. این موضوع از یحیی آل‌اسحاق رییس اتاق تهران پیگیری شد که وی نیز با اعلام اینکه چنین نامه‌ای را ندیده است، گفت: من هم در رسانه‌ها متوجه شدم که ظاهرا بانک مرکزی چنین نامه‌ای را نوشته، اما به متن آن دسترسی پیدا نکردم.

زردآلو کیلویی ۵۵۰۰تومان

■ مهر: رییس اتحادیه سراسری فروشندگان میوه و تره‌بار استان تهران اعلام کرد: در حال حاضر قیمت هر کیلوگرم گوجه فرنگی ۷۰۰تومان و موز ۴۰۰تومان در بازار کاهش یافته است، ضمن اینکه هر کیلوگرم زردآلو در سطح شهر ۵۵۰۰تومان فروخته می‌شود. «حسن مهاجران» درخصوص کاهش قیمت گوجه‌فرنگی در بازار گفت: در حال حاضر قیمت گوجه فرنگی در بازار از کیلویی ۲۹۰۰تومان به کیلویی ۲۲۰۰تومان در میادین میوه و تره‌بار کاهش یافته است.

مهدی دل‌روشن: آنها را همه می‌شناسند. کار می‌کنند اما کار و بارشان همیشه سکه نیست! از همان اول طبق یک قانون ناوخته، حق‌شان در بسیاری از دهلج‌های بازار بر باد رفته است. تصویر خیلی از ما از نیروهای اجرای اقتصاد یا کارگران، بیشتر افرادی است که زیر تیغ آفتاب با چهره‌ای سوخته، بیل و کلنگ به دست مشغول کارند. اما امروز قضیه، کاملا متفاوت شده؛ کافی است به ادارات دولتی سر بزنی، مثلا تحقیق کردم و فهمیدم که کارکنان شرکت «هم» که ماهیتی دولتی دارند، برعکس تصویری که مردم از آنها به عنوان کارمند دارند، قراردادهای‌شان با عنوان «کارگر» ثبت شده است! این وسط، شرکت‌های واسطه کلی از سروت‌ه حقوق و دستمزد این کارگران کارمندما، می‌زنند تا جیب خودشان، حسابی شارژ شود! براساس آنچه که از آن به عنوان آمار رسمی و دولتی، یاد می‌شود، چیزی حدود هشت‌میلیون کارگر ایرانی وظیفه نسان‌آوری خانواده‌خود را برعهده دارند که اگر بخواهیم با میانگین چهارنفر برای هر خانواده محاسبه کنیم آنگاه به عدد ۳۲میلیون نفر می‌رسیم. این عدد، درست کمی کمتر از نصف جمعیت ایران را شامل می‌شود. کارگر ایرانی اما در طول این سال‌ها، توسط بعضی از کارفرمایان با شرایط سختی روبه‌رو شده است. البته کارفرمایان در این بین، رقیب و رفیقی چون تورم هم دارند که خودش به تنهایی زمینه سقوط آزاد کارگران را به زیر خط فقر، فراهم کرده است! وقتی برای مصاحبه با کارگران در مورد وضعیت معیشتی‌شان، گفت‌وگو می‌کنم، یک چیزی بیش از هر چیزی، پررنگ است: تربون. آنها هیچ تربیونی ندارند که بخوانند حرف دلشان را به گوش مسوولان برسانند. حرف‌هایی چون قراردادهای سفیدی که باید امضا کنند. در آن سوی مرزها یعنی در اروپا، آنها اتحادیه‌هایی دارند که با یک سوت‌زدن دست از کار می‌کشند و خواهان ترمیم برنامه‌های غلط اقتصادی می‌شوند. سمت یک کارخانه خصوصی را در پیش می‌گیرم. خودم را به جای یک جویای کار معرفی می‌کنم و باهزار زحمت خودم را از گیت نگهبانی، عبور می‌دهم. چند کارگر در محوطه مشغول کارند، خودم را به آنها می‌رسانم و به بهانه وضع و اوضاع دستمزدها با یکی از آنها گرم می‌گیرم؛ البته این گرم‌گرفتن چند لحظه، بیشتر طول نمی‌کشد. حرف‌های «هدایت‌الله»، تب گفت‌وگو را چند درجه بالا می‌برد: «حقوق من بابت هشت‌ساعت کارکردن در روز به‌علاوه چندین ساعت اضافه‌کاری در ماه، به زور به چهارصدوبیست، سی‌هزار تومان می‌رسد. در ماه، ۲۰۰هزار تومان، اجاره‌خانه می‌دهم و دو فرزند مدرسه‌ای دارم و یک بچه پیش‌دبستانی که خرج‌اش از آن دوتای دیگر، بیشتر است. کارخانه، سرویس هم ندارد و کرایه رفت‌وآمد مترو و اتوبوس به گلشهر کرج و حصارک‌پایین بر عهده خودم است.» او که فکر می‌کند من، کارمند جدید کارخانه هستم، با دلی پسر، ادامه

می‌دهد: «هفته پیش یکی از بچه‌های اینجا، کاشف به عمل آورد که بیمه‌ها ناقص واریز شده است! دو، سه ماه هم که حقوق‌مان، عقب می‌افتد، نمی‌توانیم چیک بزنیم. اعتراض مساوی است با اخراج!» «محمدعلی»، کارگر دیگری این واحد تولیدی هم حسایی شاکی است: «در فیش به اصطلاح حقوقی‌مان، برای حق خواربار ۸۰ تکت‌تومانی، منظور می‌کنند که با آن، پنج دانه عدس هم نمی‌توانیم، بخیریم. صاحب کارخانه، فقط پول می‌شمارد ما‌هانه مبلغ زیادی بابت اقساط آن می‌دهم. همیشه‌خدا، خدا قسم، هفت الی هشت‌ماه است که خانواده من، رنگ گوشت ندیده‌اند. یارانه‌ای هم که می‌گیریم به زور خرج فیش‌های گاز، آب و برق و تلفن را در می‌آورد. مانده‌ام چه کار کنم.» این کارگر ۵۳ساله ادامه می‌دهد: «مجبور شده‌ام در یکی از روستاهای اطراف خانه بسازم که ماهانه مبلغ زیادی بابت اقساط آن می‌دهم. همیشه‌خدا، هشت‌مان، گرو نهمان است. دختر بزرگم، به دلیل نبود پول و قبول نشدن در دانشگاه ملی، مجبور است در خانه بنشیند. مادرش می‌گوید، افسرده شده است. من، واقعا شرمندم بچه‌هایم هستم، عید تا عید که می‌آید نمی‌توانم برایشان، لباس نو بخرم. تمام توان من این است که پولی به آنها بدهم تا دست‌کم، مانتوهایشان را رنگ کنند!»

مهر، کارگر جوانی است که ۳۲سال سن دارد، او را در گوشه‌ای از کارخانه وقتی مشغول شستن چکمه‌هایش است، می‌بینم. از او می‌پرسم، چقدر حقوق می‌گیرد، من، فوق دیپلم ریخته‌گری هستم اما حقوق من با یک سیکل، فرقی ندارد. وقتی به این موضوع اعتراض کردم، صاحب‌کار گفت اگر ناراضی هستی و کار دیگری سراغ داری، برایت



محسن، صاحب

چرخی در میان کارگران و حقوق‌بگیران و ارزیابی اوضاع معیشتی آنها

نگران هزینه‌ها هستیم

آرزوی موفقیت می‌کنم. قراردادم را با عنوان پاره‌وقت، ثبت کرده‌اند تا بیمه تعلق نگیرد. فقط دعا می‌کنم که خودم و همسر،م، مریض نشویم چون آن موقع معلوم نیست برای خرید دارو و هزینه‌های پزشکی باید از چه کسی، پول قرض کنیم. دوسال است که زندگی مشترکمان را آغاز کرده‌ایم اما از ترس هزینه‌ها، جرأت بچه‌دار شدن نداریم.» از کارخانه بیرون می‌روم اما گوش‌هایم را آنجا گذاشته‌ام. هنوز صدای سرفه کارگرانی که آهک را تنفس می‌کردند، می‌شنوم. راه یک ساختمان در حال ساخت در اطراف شهرک غرب را پیش می‌گیرم، نکته بسیار جالب، چهره کارگری است که در نگاه‌اول افغان بودن او، کاملا پیداست. بی‌خیال صحبت کردن با او می‌شوم. به داخل ساختمان که می‌روم، کارگرانی می‌بینم که سخت، مشغول کارکردن هستند. می‌دانم که اگر سوالی ببرسم، حتی حوصله جواب دادن ندارند. یکی از آنها که در حال تهیه ملات سیمان است، نخستین انتخاب من برای یک گفت‌وگوی کارگری است! جواب، به من می‌گوید: دلت، خوش است؛ بیمه کجا بود. چند وقت پیش سر یک ساختمان، یکی از کارگران از طبقه سوم، سقوط کرد، خرج دو‌او و دکترش گردن خودش افتاد. صاحب کار اصلا زیر بار نرفت و گفت او جای دیگری افتاده، می‌خواهد از من پول بگیرد. بالاخره هم با مسوولان اداره، هم کنار آمد و قضیه برایش، ختم بخیر شد!» جواد به کارگری اشاره می‌کند که روی یکی از ستون‌ها، مشغول جوش‌کاری است و می‌گوید: «همان آقا را می‌بینید، اگر از آن بالا پرت شود پایین، خوش به گردن خودش است، چون بیمه نیست، ببینید، اصلا خیال‌تان را راحت کنم، ما روزی ۳۰هزار تومان، می‌گیریم، اما مگر هر روز

کار هست؟! سه روز سر کار هستیم، پنج‌روز گوشه‌خانه، شنیدم‌ام که ما را شافل به حساب می‌آورند. خیلی هنر کم در ماه، ۱۰ وعده، برنج بدون گوشت می‌خوریم! اصلا نمی‌توانیم به گوشت کیلویی ۳۰۰هزار تومان فکر کنیم.» کارگر دیگر که حرف‌های ما را می‌شنود، می‌گوید: «بسررم در روزنامه خوانده بود که نرخ تورم ۲۱درصد است. وقتی شنیدم، از ته دل خندیدم! این مرد ۵۵ساله از جیبش، نسخه داروهای همسرش را بیرون می‌آورد و می‌گوید: «دفعه پیش همین نسخه، ۲۳هزار تومان، خرج برداشت. حالا شما حساب کنید، من هر دو هفته یکبار باید علاوه بر مخارج جاری، هزینه‌های دارویی را نیز تامین کنم. با این اوضاع مسکن و نبود کار درست و حسایی، هر روز به میزان بدهی‌هایم، افزوده می‌شود.» پس از گفت‌وگو با چند کارگر، سعی می‌کنم تا با یکی از مسوولان تشکل کارگری، حرف بزنم اما وی از صحبت کردن در مورد مسائل کارگران و کارمندان به گفته خودش، کاملا شرم‌منده است! با کلی اصرار، رضی‌اش می‌کنم بدون درج نام از حقوق صنف کارگران و کارمندان بگویم: «ها چندین بار طرح افزایش حقوق را تا رنج ۵۰۰هزار تومان به مسوولان دولتی، ارائه دادیم تا در حداقل دستمزد سال ۹۱، اعمال شود اما دوستان مخالفت کردند. تورم کمر حقوق‌بگیران را شکسته و به طرز فجیعی، آنها را روز به روز، فقیرتر و سفره‌هایشان را کوچک‌تر می‌کند. هر حرکت اقتصادی در دفاع از حقوق‌بگیران، رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرد در صورتی که باید حساب اقتصاد را از سیاست جدا کرد.» یک کارمند نیز در گفت‌وگو با من می‌گوید: «هر چند روز یکبار نیست که حقوق‌بگیران و در راس آنها کارگران در مقابل مجلس شورای اسلامی، تحصن می‌شنوم. راه یک ساختمان در حال ساخت در اطراف شهرک غرب را پیش می‌گیرم، نکته بسیار جالب، چهره کارگری است که در نگاه‌اول افغان بودن او، کاملا پیداست. بی‌خیال صحبت کردن با او می‌شوم. به داخل ساختمان که می‌روم، کارگرانی می‌بینم که سخت، مشغول کارکردن هستند. می‌دانم که اگر سوالی ببرسم، حتی حوصله جواب دادن ندارند. یکی از آنها که در حال تهیه ملات سیمان است، نخستین انتخاب من برای یک گفت‌وگوی کارگری است! جواب، به من می‌گوید: دلت، خوش است؛ بیمه کجا بود. چند وقت پیش سر یک ساختمان، یکی از کارگران از طبقه سوم، سقوط کرد، خرج دو‌او و دکترش گردن خودش افتاد. صاحب کار اصلا زیر بار نرفت و گفت او جای دیگری افتاده، می‌خواهد از من پول بگیرد. بالاخره هم با مسوولان اداره، هم کنار آمد و قضیه برایش، ختم بخیر شد!» جواد به کارگری اشاره می‌کند که روی یکی از ستون‌ها، مشغول جوش‌کاری است و می‌گوید: «همان آقا را می‌بینید، اگر از آن بالا پرت شود پایین، خوش به گردن خودش است، چون بیمه نیست، ببینید، اصلا خیال‌تان را راحت کنم، ما روزی ۳۰هزار تومان، می‌گیریم، اما مگر هر روز

کار هست؟! سه روز سر کار هستیم، پنج‌روز گوشه‌خانه، شنیدم‌ام که ما را شافل به حساب می‌آورند. خیلی هنر کم در ماه، ۱۰ وعده، برنج بدون گوشت می‌خوریم! اصلا نمی‌توانیم به گوشت کیلویی ۳۰۰هزار تومان فکر کنیم.» کارگر دیگر که حرف‌های ما را می‌شنود، می‌گوید: «بسررم در روزنامه خوانده بود که نرخ تورم ۲۱درصد است. وقتی شنیدم، از ته دل خندیدم! این مرد ۵۵ساله از جیبش، نسخه داروهای همسرش را بیرون می‌آورد و می‌گوید: «دفعه پیش همین نسخه، ۲۳هزار تومان، خرج برداشت. حالا شما حساب کنید، من هر دو هفته یکبار باید علاوه بر مخارج جاری، هزینه‌های دارویی را نیز تامین کنم. با این اوضاع مسکن و نبود کار درست و حسایی، هر روز به میزان بدهی‌هایم، افزوده می‌شود.» پس از گفت‌وگو با چند کارگر، سعی می‌کنم تا با یکی از مسوولان تشکل کارگری، حرف بزنم اما وی از صحبت کردن در مورد مسائل کارگران و کارمندان به گفته خودش، کاملا شرم‌منده است! با کلی اصرار، رضی‌اش می‌کنم بدون درج نام از حقوق صنف کارگران و کارمندان بگویم: «ها چندین بار طرح افزایش حقوق را تا رنج ۵۰۰هزار تومان به مسوولان دولتی، ارائه دادیم تا در حداقل دستمزد سال ۹۱، اعمال شود اما دوستان مخالفت کردند. تورم کمر حقوق‌بگیران را شکسته و به طرز فجیعی، آنها را روز به روز، فقیرتر و سفره‌هایشان را کوچک‌تر می‌کند. هر حرکت اقتصادی در دفاع از حقوق‌بگیران، رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرد در صورتی که باید حساب اقتصاد را از سیاست جدا کرد.» یک کارمند نیز در گفت‌وگو با من می‌گوید: «هر چند روز یکبار نیست که حقوق‌بگیران و در راس آنها کارگران در مقابل مجلس شورای اسلامی، تحصن می‌شنوم. راه یک ساختمان در حال ساخت در اطراف شهرک غرب را پیش می‌گیرم، نکته بسیار جالب، چهره کارگری است که در نگاه‌اول افغان بودن او، کاملا پیداست. بی‌خیال صحبت کردن با او می‌شوم. به داخل ساختمان که می‌روم، کارگرانی می‌بینم که سخت، مشغول کارکردن هستند. می‌دانم که اگر سوالی ببرسم، حتی حوصله جواب دادن ندارند. یکی از آنها که در حال تهیه ملات سیمان است، نخستین انتخاب من برای یک گفت‌وگوی کارگری است! جواب، به من می‌گوید: دلت، خوش است؛ بیمه کجا بود. چند وقت پیش سر یک ساختمان، یکی از کارگران از طبقه سوم، سقوط کرد، خرج دو‌او و دکترش گردن خودش افتاد. صاحب کار اصلا زیر بار نرفت و گفت او جای دیگری افتاده، می‌خواهد از من پول بگیرد. بالاخره هم با مسوولان اداره، هم کنار آمد و قضیه برایش، ختم بخیر شد!» جواد به کارگری اشاره می‌کند که روی یکی از ستون‌ها، مشغول جوش‌کاری است و می‌گوید: «همان آقا را می‌بینید، اگر از آن بالا پرت شود پایین، خوش به گردن خودش است، چون بیمه نیست، ببینید، اصلا خیال‌تان را راحت کنم، ما روزی ۳۰هزار تومان، می‌گیریم، اما مگر هر روز

حجت خرد اوراقی به ۴۰۰ تنبیه و ۴۶۰۰ دفتر خدمات بانکی شهری و روستایی منتخب در سراسر کشور مراجعه نمایند.

۱۰ خرداد

آغاز بررسی مدارک موسسات مالی

■ ایسنا: بانک مرکزی به موسسات مالی مهلت داده تا ۱۰ خرداد سال‌جاری مدارک و اسناد خود را ارائه کنند تا در مورد ادامه کار آنها و دادن مجوز نهایی به آنها بررسی‌هایی صورت بگیرد. بحث ادغام برخی بانک‌ها و موسسات مالی که امسال جدی‌تر شده، نشان از سیاست بانک مرکزی مبنی بر ساماندهی موسسات مالی دارد. در این سیاست به نظر می‌رسد ادغام برخی بانک‌ها و موسسات مالی یکی از روش‌های مدنظر بانک مرکزی است. در مورد این روش هرچند برخی مدیران بانکی هشدارهایی داده‌اند اما به نظر می‌رسد قرار است چند بانک و موسسه مالی با یکدیگر ادغام شوند. در کنار این، بانک‌مرکزی به موسسات مالی مهلت داده تا مدارک و اسناد خود را برای بررسی و دادن مجوز نهایی ارائه کنند. به گفته مشاور هیات‌مدیره موسسه مالی فرشتگان در جلسه سال‌جاری معاونت نظارت بانک مرکزی با نمایندگان موسسات مالی، به آنها اعلام شده که مدارک خود را تا دهم خرداد ماه ارائه کنند. «علی بای‌سلامی» در این مورد به «ایسنا» گفت: بانک مرکزی مهلت دو ماهه به موسسه مالی فرشتگان و همه موسسات دیگر داده که جهت دریافت مجوز نهایی، مدارک خود را به بانک مرکزی دهند. وی ادامه داد: در جلسه با معاونت نظارت بانک مرکزی از تمام موسسات تعهد گرفته شده که تا دهم خرداد که مهلت دو ماهه تمام می‌شود، مدارک خود را بدهند. به گفته بای‌سلامی، این مدارک شامل فهرست موسسان، معرفی اعضای هیات‌مدیره، طرح توجیه اقتصادی، فیش‌های واریزی و سرمایه‌گذاری است. وی تصریح کرد: این‌گونه نیست که بعد از این مهلت دو ماهه فعالیت موسسات مالی متوقف شود. این مهلت دو ماهه برای آن است که مدارک را موسسات بدهند. چراکه خیلی از موسسات پیش از این تعاونی بودند و از سال گذشته که تحت‌نظارت بانک مرکزی کار کرده‌اند هیچ کدام نتوانستند مدارک خود را بدهند. بای‌سلامی در پاسخ به این سوال که ممکن است بعد از ارائه مدارک تصمیماتی برای ادغام برخی موسسات مالی از جمله موسسه مالی فرشتگان اتخاذ شود؟ اظهار کرد: هیچ بحثی در مورد ادغام موسسه مالی فرشتگان مطرح نیست و پس از بررسی مدارک به ما خبر می‌دهند که آیا مجوز نهایی را می‌دهند یا نه. وی در پایان خاطرنشان کرد: پس از تکمیل شدن همه مدارک موسسات مالی تا دهم خرداد و بررسی و انطباق دادن آنها با شرایط بانک مرکزی، تصمیم نهایی را بانک مرکزی اعلام خواهد کرد.

پست بانک ایران

POST BANK IRAN

فروش مرحله دوم اوراق گواهی سپرده ویژه سرمایه‌گذاری (عام)

با مجوز رسمی از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

سود علی‌الحساب ۲۰٪ در سال

دو ساله، با نام: قابل انتقال به غیر، معاف از مالیات

محاسبه روز شمار سود و پرداخت ماهیانه

۲۳ لغایت ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ به مدت ۶ روز کاری

قابل فروش به بازارگردان در کلیه شعب با سود ۱۹/۵ درصد روز شمار (بیش از یک سال) و ۱۸ درصد روز شمار (کمتر از یک سال)

جهت خرید اوراق به ۴۰۰ تنبیه و ۴۶۰۰ دفتر خدمات بانکی شهری و روستایی منتخب در سراسر کشور مراجعه نمایند.

تلفن تماس: ۰۵۱۱-۲۲۳۳۰۱۱۳

info@shahrmegar.org

آدرس دفتر خانه: مشهد، میدان شهدا شهر داری مرکز، اداره ارتباطات رسانه ای